

باسمه تعالی

آیه / حدیث	قال الصادق (ع): إِيَّاكَ وَخَصْلَتَيْنِ: الضَّجَرُ وَالْكَسَلُ، فَإِنَّكَ إِنْ ضَجَرْتَ لَمْ تَصْبِرْ عَلَى حَقِّ وَ إِنْ كَسَلْتَ لَمْ تُؤَدِّ حَقًّا؛ از دو خصلت بپرهیز: بی حوصلگی و تنبلی، زیرا اگر کم حوصله باشی بر حق شکیبایی نکنی و اگر سست و تنبل باشی حقی را ادا نکنی. (امالی صدوق، ص ۶۳۶)
جمله امام / رهبر / علما	مقام معظم رهبری (دامت برکاته): اگر صبر را - که صبر به همان معنای پایداری و ایستادگی و استقامت و عقبگرد نکردن است - وصل کنیم به آن پایگاه ذکر الهی، به آن منبع لایزال، این صبر دیگر تمام نمیشود. صبر که تمام نشد، معنایش این است که این سیر انسان به سوی همه‌ی قله‌ها هیچ وقفه‌ای پیدا نخواهد کرد. (۱۹/۰۶/۱۳۸۷)
مسئله شرعی	نمازهای واجب و مستحب: الف) نمازهای واجب : ۱- نمازهای یومیه ۲- نماز طواف خانه خدا که پس از طواف خانه کعبه گذارده می شود. ۳- نماز آیات که در هنگام پدید آمدن خورشید و ماه گرفتگی و زلزله و امثال آنها خوانده می شود. ۴- نماز میت که بر مرده خوانده می شود. ۵- نماز قضای پدر و مادر که بر پسر بزرگتر واجب است. ۶- نمازی که به واسطه نذر و عهد و قسم یا به واسطه اجاره واجب شده است. ب) نمازهای مستحب، مثل نافله های شبانه روزی. (اجوبه الاستفتاءات ، س ۲۴۸ و ۳۳۸ و ۵۴۲ و ۷۱۱)
داستان / حکایت / تمثیل / روایت	با خوردن دو کشیده، همچنان خونسرد بود! روزی یک جوان صوفی باخترانی را از خانقاه به سپاه آوردند. موهای بلند و تبریزین و کشکول داشت. حاج محمد وقتی او را دید، جلو رفت و با صدایی چنان آهسته با جوان صحبت کرد که ما در فاصله یکی دو متری چیزی نمی شنیدیم. ناگهان جوان صوفی کشیده ای به صورت حاجی زد. ما جا خوردیم و منتظر واکنش او ماندیم؛ اما حاجی خونسرد به صحبت خود ادامه داد. صوفی که قدش تا شانه حاجی هم نمی رسید سیلی دیگری به صورت محمد آقا زد. ما که سه نفر بودیم، حرصمان در آمد. پریدیدم سر جوان که او را بزنیم؛ اما حاجی مانع شد و گفت : « شما را که نزده، مرا زده. » من گفتم : « آخر شما چرا هیچی نمی گویی؟ » حاجی تبسمی کرد و دستور داد جوان را بازداشت کنند و او را به اتاقی برد و در را بست و دور از چشم ما به صحبت با او ادامه داد. برایمان عجیب بود که حاجی آن قدر بر نفس خود مسلط بود که با خوردن دو کشیده همان طور خونسرد عزم جزم کرده بود که این جوان را ارشاد کند. دل توی دلمان نبود. تا این که در باز شد و جوان صوفی بیرون آمد. کشکول و تبریزین دستش نبود. وقتی با او صحبت کردیم، پاک از مرامش برگشته بود. حالا حاجی به او چه گفته بود، ما نفهمیدیم و وقتی هم پرسیدیم ، لبخندی زد و سری تکان داد که هیچی. (شهید محمد گرامی / رسم خوبان (۳۰)، صص ۶۹ و ۷۰)
نکته	هر چه محیط فرا روی سازمان ها پیچیده تر و مبهم تر می شود، ضرورت بینش و بصیرت مدیران بیشتر می شود زیرا در چنین شرایطی یک تصمیم اشتباه ممکن است آخرین اشتباه یا آخرین تصمیم باشد. (ویژگی های مدیران. ص ۳۳)
پیام شهید	شهید مهدی شریفی: خدایا! این امت به پا خاسته را یاری کن، تا انقلاب اسلامی را یاری کنند. و به تمام جهانیان صادر نمایند. (http://shahed.isaar.ir)

